

«مصناف ومصناف الہ»

«موصوف و صفت»

متمولیان۔ فروغ دانش پویا

## مضاف و مضاف الیه: «ترکیب اضافی»

دو اسم که در کنار یکدیگر (اغلب با یک کسره) می آیند  
و به عبارتی کلمه دوم به کلمه اول اضافه شده معنای آن را کامل تر می کند

مثال: کتابِ احمد، فرشِ اتاق، صندلیِ من، دفترش

نکته: ضمیرهای متصل: (م - ت - ش - مان - تان - شان)  
ضمیرهای گسسته: (من - تو - او - ما - شما - آنها)

ضمیرها در گروه اسم ها شمرده می شوند

ضمایر پس از اسم می توانند ترکیب مضاف و مضاف الیه بسازند.

## موصوف و صفت: «ترکیب وصفی»

**موصوف** کلمه ای است که شخص یا حیوان یا شی ای با آن نامیده می شود مانند: «کتاب، آسمان، میز و...»

**صفت** کلمه ای است که ویژگی و احوال موصوف را شرح می دهد مانند: «بزرگ، کوچک، آبی، بالا، پایین و...»

**مثال:** گل زیبا، کیف سبز، آسمان بالا، زمین کوچک

## روشی ساده برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی :

۱- زمانی که بین موصوف و صفت و یا مضاف و مضاف الیه «ی» نکره بیاوریم، اگر معنی بدهد موصوف و صفت است در غیر این صورت مضاف و مضاف الیه است برای مثال در ترکیب:

«باغ زیبا» ← «باغی زیبا» معنی دارد = موصوف و صفت

«باغ همسایه» ← «باغی همسایه» معنی ندارد = مضاف و مضاف الیه

۲. یک راه دیگر برای تشخیص صفت از مضاف الیه،

گذاشتن علامت صفت برتر، یعنی «تر»، پس از صفت یا مضاف الیه است.  
همان طور که می‌دانیم، «تر» پس از صفت معنی دارد، اما پس از مضاف الیه خیر.  
برای مثال در ترکیب:

«چاقوی تیز» ← «چاقوی تیزتر» معنا دارد = موصوف و صفت

«چاقوی زنجان» ← «چاقوی زنجان‌تر» معنا ندارد = مضاف و مضاف الیه

۳. به آخر ترکیب فعل «است» را اضافه می‌کنیم.

اگر موصوف و صفت داشته باشیم، جمله حاصل با معنی خواهد بود و اگر ترکیب مضاف و مضاف الیه باشد، جملی معنی خاصی نخواهد داشت.  
برای مثال، برای ترکیب :

«کوچه باریک» ← «کوچه باریک است» معنی دارد. = موصوف و صفت

اما «کوچه همسایه» ← «کوچه همسایه است» بی‌معنی است. = مضاف و مضاف الیه

**نکته:** هرگاه اسمی هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا صفت را به دنبال اسم می آوریم سپس مضاف الیه را بعد از آن ها می نویسیم

**مانند:** برادر بزرگ من

اسم      صفت      مضاف الیه

## نکته:

بعضی مواقع جای مضاف ومضاف الیه عوض می شود.  
در این صورت کسره حذف شده واسم غیر ساده حاصل می شود.  
به این حالت، اضافه ی مقلوب می گویند

مانند: آب انبار ← انبارِ آب

دریا کنار ← کنارِ دریا

مسافر خانه ← خانه مسافر



**نکته:** گاهی یک اسم چند صفت دارد.  
گاهی یک اسم چند مضاف الیه دارد.

**مانند:** اسرار پیچیده حکیمانه  
کتابِ خانه من

# «نمایش»

ممتولیان۔ فروغ دانش پویا

# خواجوی کرمانی:

کمال الدین محمود، معروف به خواجوی کرمانی  
از شاعران معروف قرن ۷ و ۸ هجری است.  
از آثار او میتوان به: «کمال نامه»، «گوهر نامه» و «گل و نوروز» اشاره کرد.

متولیان - فروغ دانش پویا

بدونیک - تضاد

الف ندا

خداوند <sup>الف ندا</sup> به حق نیک مردان قسمت می دهم که احوال بدم را نیک گردان

مسند

مفعول

ترکیب وصفی - مردان نیک

منادا

تلمیح: «حول حالنا الی احسن الحال» جمله امری

نهاد؟ تو (خداوند، محذوف)

معنی: خدایا تو را به انسان های نیکو کار قسمت می دهم که جان و درونم را از بدی ها پاک کنی

متولیان - فروغ دانش پویا

مکن مارا از این درگاه محروم <sup>اسم غیر ساده</sup> <sup>ادات تشبیه</sup> گنجشکان <sup>متنم</sup> مران مارا از این بوم <sup>متنم</sup> <sup>تشبیه</sup>

معنی: مارا از درگاه خودت بی بهره نکن و مانند گنجشکان مارا از بارگاهت دور نفرما

متولیان - فروغ دانش پویا

زبانی و روانی : اسم ساده (زبان و روان + ی نکره)

زبانی ده که اسرار تو گوید      روانی ده که دیدار تو جوید

مفعول

مفعول

مفعول

مفعول

بیت ۴ جمله

**معنی :** زبانی به مابده تارازهای تورا باز گو کند و روح و جانی بده تا بتوانیم حضور تورا درک کنیم و دائما به ملاقات تو برسیم.

متولیان - فروغ دانش پویا

دلم در آتش غفلت مسوزان

مفعول

م\_ ضمیر متصل - مضاف الیه

به معنی، شمع جانم بر فروزان

م\_ ضمیر متصل - مضاف الیه

اضافه تشبیهی

**معنی:** دورونم را از آتش گمراهی و غفلت رها مکن و حقیقتا، با نور و حقیقت درونی خودت وجودم را روشن کن.

متولیان - فروغ دانش پویا

م - ضمیر متصل - مضاف الیه

مخفف اگر

کنون کرد دست گیری جای آن هست که کرد دستم نگیری رفتم از دست

مخفف اکنون  
کنایه از یاری کردن

کنایه از نابود شدن

**معنی:** اکنون اگر یاری ام کنی شایسته و سزاوار است زیرا اگر به کمکم نیایی از بین می روم

متولیان - فروغ دانش پویا



تضاد

مکن دور م ز نزدیکان درگاه

مفعول متسم مضاف الیه

متسم

به راه آور مرا کافئ دوم از راه

**معنی:** مرا از نزدیکان بارگاهت (انسان های خداشناس و با معرفت) دور نکن  
به راه درست مرا هدایت کن زیرا از مسیر حق دور شده ام

متولیان - فروغ دانش پویا

تورا خوانم به هر رازی که خوانم      تورا دانم به هر چیزی که دانم

۴

۳

۲

۱

بیت ۳ جمله است

**معنی:** در هر راز و سخنی که دقت می‌کنم گویی دارم تو را صدا می‌کنم و همه چیزی که از آن مطلعم به وجود تو اشاره می‌کند

متولیان - فروغ دانش پویا

پایان ماجرای دل و عشق روشن است  
ای قایق شکسته به دریا خوش آمدی

